

## پیام شش

### به دست آوردن خدا برای دگرگون شدن توسط خدا به جهت مقصود خدا

مطالعه متون مقدس: ایوب ۴۲: ۱-۶؛ دوم قرن‌تین ۳: ۸-۹؛ ۴: ۱۰-۱۲، ۱۶-۱۸؛ ۵: ۱۸-۲۰.

#### ۱. قصد خدا برای ایوب این بود که ایوب تبدیل به شخصی شود که در بینش آسمانی و واقعیت اقتصاد خدا زیست می‌کند:

آ. تجربه ایوب پله‌ای بود که خدا در اقتصاد الهی خود برداشت برای اجرای تحلیل دادن و تهی سازی ایوبِ اقناع- شده، تا خدا ایوب را برای بازساخت او با خودِ خدا، فرو ریزد، بدین جهت که ایوب را به طوری عمیق‌تر به دست آورد تا ایوب بجای برکتهای خدا و دستاوردهای خود در بی‌عیبی و کاملیت خودش، خدا را کسب کند - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۴؛ اول قرن‌تین ۲: ۹؛ خروج ۲۰: ۶؛ اول تواریخ ۱۶: ۱۰-۱۱؛ ۲۲: ۱۹؛ دوم تواریخ ۱۲: ۱۴؛ مزامیر ۲۴: ۶؛ ۲۷: ۴، ۸؛ ۱۰۵: ۴؛ ۱۱۹: ۲، ۱۰؛ عبرانیان ۱۱: ۶.

ب. آن کسی که به خدا اهمیت نمی‌دهد ممکن است خیلی چیزها به دست آورده و به نظر کامیاب آید (مزامیر ۷۳: ۱-۱۵)؛ ولی آن که به خدا اهمیت می‌دهد توسط خدا محدود شده و حتی از خیلی چیزها محروم می‌شود؛ قصد خدا با جویندگانش این است که آنها همه چیز را در او یافته و از مسرت مطلق او منحرف نشوند (آ. ۱۶-۲۸). پ. مقصود خدا از رسیدگی به مردم مقدسش این است که آنها از همه چیز خالی شده و فقط خدا را به عنوان منفعت خود دریافت کنند (فیلیپیان ۳: ۸؛ مزامیر ۷۳: ۲۵-۲۶)؛ خواست قلبی خدا این است که ما او را به عنوان حیات، تأمین حیات، و همه چیز وجودمان، کاملاً به دست آوریم (رومیان ۸: ۱۰، ۶، ۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸ ب).

ت. برای زندگی کردن در واقعیت اقتصاد خدا با توزیع الهی او، ما به خدا نیاز داریم که خود را در ترکیب ذاتی ما بنا سازد تا کل وجودمان با مسیح بازساخت شود:

۱. همانطور که در رساله‌های پولس فاش شده، مقصود خدا از رسیدگی به ما این است که ما را از همه چیزها تهی کرده و تحلیل دهد تا بتوانیم خدا را بیشتر و بیشتر به دست آوریم - دوم قرن‌تین ۴: ۱۶-۱۸.

۲. بناسازی کلیسا بدینگونه است که مسیح خانه خود را در دل‌های ما بسازد، یعنی با بناسازی خودش در درون ما، تا قلب ما، همان ترکیب ذاتی ما را خانه خود سازد - افسسیان ۳: ۱۶-۲۱.

ث. خدا در مسیح به صورت انسان ترکیب شد، انسان در خدا ترکیب شد، و خدا و انسان در هم آمیختند تا یک موجودیت، همان خدا-انسان، باشند؛ این بدین معناست که قصد خدا در اقتصادش این بود که انسان شود تا انسان را خدا کند در حیات و ذات اما نه در هستی خدا - دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۴؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ متی ۲۲: ۴۱-۴۵؛ یوحنا ۱۴: ۶؛ ۱۰: ۱۰؛ اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۶: ۶۳؛ دوم قرن‌تین ۳: ۶؛ اول یوحنا ۵: ۱۶ آ.

#### ۲. اقتصاد خدا این است که خدا از طریق جسم پوشیدن، انسانی در جسم شد، تا انسان بتواند از طریق دگرگونی، در روح خدا شود برای بنای خدا درون انسان و انسان درون خدا، تا خدا یک خدا-انسان جمعی را به دست آورد:

آ. بهترین، عالی‌ترین، اسرارآمیزترین، و شامل تمام‌ترین دگرگونی‌های خدای سه‌یکتای جاودان در انسان-شدن خود، حرکت خدا در انسان برای به انجام رساندن اقتصاد ابدی خداست - میکاه ۵: ۲؛ یوحنا ۱: ۱۴، ۲۹؛ ۳: ۱۴؛ ۱۲: ۲۴؛ اعمال ۱۳: ۳۳؛ اول پطرس ۱: ۳؛ اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵؛ اعمال ۲: ۳۶؛ ۵: ۳۱؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ ۹: ۱۵؛ ۷: ۲۲؛ ۸: ۲.

۱. این دگرگونی‌ها همان مراحل‌اند که خدای سه‌یکتا در خدا-انسان شدن طی کرد، که الوهیت را به درون انسانیت آورده و با انسانیت آمیخت به عنوان نمونه اصلی برای تکثیر انبوه خدا-انسانهای بسیار؛ او تجسم خدای سه‌یکتا شد، خدا را به درون انسان آورد و خدا را قابل تماس، لمس، دریافت، تجربه، ورود و مسرت کرد - یوحنا ۱: ۱۴؛ کولسیان ۲: ۹؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹.

۲. خدا در هوشع ۱۱: ۴ از این دگرگونی‌ها می‌گوید: «ایشان را به ریسمانهای انسان کشیدم / و به بندهای محبت جذب کردم»؛ عبارت «ریسمانهای انسان، بندهای محبت» نشان می‌دهد که خدا ما را با عشق الهی خود، نه در سطح الوهیت بلکه در سطح انسانیت، محبت می‌کند؛ عشق خدا الهی است، ولی در ریسمانهای انسان، یعنی از طریق انسانیت مسیح، به ما می‌رسد:

(آ) ریسمانها (دگرگونی‌ها؛ پروسه‌ها) که خدا از طریق آنها ما را جذب می‌کند شامل جسم پوشیدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستاخیز و صعود مسیح است؛ با همه این مراحل مسیح در انسانیتش است که عشق خدا در نجاتش به ما می‌رسد - ارمیا ۳۱: ۳؛ یوحنا ۳: ۱۴، ۱۶؛ ۶: ۴۴؛ ۱۲: ۳۲؛ رومیان ۵: ۵، ۸؛ اول یوحنا ۴: ۸-۱۰، ۱۶، ۱۹.

(ب) جدا از مسیح، عشق پاینده خدا، یعنی همان محبت تغییرناپذیر و تسلیم‌کننده او، نمی‌تواند نسبت به ما حاکم باشد؛ عشق تغییرناپذیر خدا حاکم است چون محبتی در مسیح، با مسیح، توسط مسیح، و برای مسیح است.

(پ) عشق پاینده خدا همیشه پیروزمندانه است؛ عاقبت، علیرغم شکستها و اشتباهات ما، عشق خدا پیروز خواهد بود - رومیان ۸: ۳۵-۳۹.

ب. دگرگونی انسان سه‌بخشی در حرکت خدا برای الهی کردن انسان، برای ساختن انسان با خدای سه‌یکتای پروسه دیده و کامل است؛ ایوب با ظهور خدا به او، خدا را دید تا خدا را کسب کرده، توسط خدا و برای مقصود خدا دگرگون شود - ایوب ۳۸: ۱-۳؛ ۴۲: ۱-۶؛ دوم قرنیتیان ۳: ۱۶-۱۸؛ عبرانیان ۱۲: ۱-۲: آ.

۱. دیدن خدا منجر می‌شود به دگرگون شدن کل وجود ما به صورت خدا؛ پس ما هرچه بیشتر بر او به عنوان آن روح کامل در روحمان بنگریم، بیشتر عنصر الهی او را در وجودمان دریافت می‌کنیم تا عنصر کهنه ما تخلیه شود و تا کل وجودمان نو گردد؛ زندگی مسیحی ما درباره تغییر ظاهری نیست بلکه دگرگون شدن از درون است - دوم قرنیتیان ۳: ۱۸؛ مزامیر ۲۷: ۴؛ غلاطیان ۶: ۱۵-۱۶.

۲. ما با بازگرداندن قلبمان به سوی خداوند، می‌توانیم در پروسه روزانه دگرگونی بمانیم، تا بتوانیم با چهره‌ای بی‌نقاب بر او نگریده و او را بازتاب کنیم؛ چهره بی‌نقاب چهره‌ای است که به خداوند بازمی‌گردد - دوم قرنیتیان ۳: ۱۶، ۱۸.

(آ) بازگرداندن قلبمان به سوی خداوند این است که عاشق خداوند باشیم؛ هرچه بیشتر عاشق خداوند هستیم، قلبمان بیشتر به خداوند باز خواهد بود، و او راهی خواهد داشت تا از روحمان به تمام بخش‌های قلبمان گسترش یابد.

(ب) بازگرداندن قلبمان به سوی خداوند، کلید رشد ما در حیات است؛ ما می‌توانیم برای باز کردن قلبمان به خداوند، بسادگی به او بگوییم: «ای خداوند، عاشقتم؛ می‌خواهم تو را خشنود کنم.»

(پ) ما همانطور که روز به روز در تمام شرایط خود بر خداوند می‌نگریم (مزامیر ۲۷: ۴)، جلال خداوند را بازتاب کرده و به شکل او، از جلالی به جلال فزونتر، دگرگون می‌شویم.

(ت) خیلی از مسیحیان شاد نیستند چون آن روح در آنها شاد نیست (افسیسیان ۴: ۳۰)؛ ما اگر قلبمان را به سوی خدا بازنگردانیم تا به آن روح اجازه دهیم که از روحمان به قلب ما گسترش یابد، احساس واماندگی و افسردگی خواهیم کرد.

(ث) هر جا روح خداوند باشد، آنجا آزادی است (دوم قرنیتیان ۳: ۱۷)؛ اگر کسی بگوید که جلسه کسل‌کننده است، باید دریابیم که این خود اوست که دروناً کسل است؛ ولی وقتی قلبمان را به سوی خداوند بازمی‌گردانیم، از آن روح به عنوان آزادیمان لذت می‌بریم.

(ج) هنگامی که آن روح آزاد-کننده راهی داشته باشد که به تمام بخش‌های قلبمان گسترش یابد، ما رها، والا، و آزاد می‌شویم؛ این آزادی، همان جلال است، که حضور خدا و ابراز خداست؛ ما بدین گونه حس شرافتمندی، محترمی، و شکوهمندی داریم چون در حال دگرگون شدن به صورت او هستیم - آ. ۱۸؛ پیدایش ۱: ۲۶.

پ. دگرگونی، ما را از شکل انسان کهنه به شکل انسان نو انتقال می‌دهد؛ خداوند این کار دگرگونی را از طریق کشتن

با مرگ مسیح به انجام می‌رساند - دوم قرن‌تین ۴: ۱۰-۱۲، ۱۶-۱۸:

۱. در دوم قرن‌تین ۴: ۱۰ پولس می‌گوید که ما همواره مرگ عیسی را در بدن خود حمل می‌کنیم؛ «مرگ عیسی» به معنای کشته شدن است؛ مرگ مسیح ما را می‌کشد - اول قرن‌تین ۱۵: ۳۱، ۳۶؛ یوحنا ۱۲: ۲۴-۲۶؛ دوم قرن‌تین ۱: ۸-۹.

۲. مرگ مسیح همان روح-مرکب است؛ آن روح همان کاربرد مرگ مسیح و تأثیر آن است - خروج ۳۰: ۲۲-۲۵؛ رومیان ۸: ۱۳.

۳. زندگی مسیحی یک زندگی است که همواره تحت کشته شدن توسط روح-مرکب است؛ این کشته شدن روزمره توسط آن روح-ساکن در درون، با محیط به عنوان سلاح کشنده، اجرا می‌شود.

۴. تحت ترتیب الهی و حاکمیت مطلق خدا، همه چیز با هم برای خیریت ما در کار است، یعنی برای دگرگون شدن ما از طریق کشته شدن با مرگ مسیح؛ «خیریت» در رومیان ۸: ۲۸ به افراد، امور یا چیزهای مادی [فیزیکی] مربوط نیست؛ تنها یک نفر نیکوست - خدا - لوقا ۱۸: ۱۹؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹:

(آ) همه اشخاص، امور و چیزهایی که به ما ربط دارند وسیله‌هایی برای روح‌القدس هستند برای خیریت ما تا بتوانیم با نیکویی بار شویم (مزامیر ۶۸: ۱۹ آ)، یعنی با خود خدای سه‌یکتا (م. ش. پیدایش ۴۵: ۵، ۲۰).

(ب) همه اشخاص و شرایط مربوط به ما توسط روح خدا ترتیب داده شده تا به همراه کار او از درون ما، ما را دگرگون ساخته و هم‌شکل پسر نخست زاده خدا کند - متی ۱۰: ۲۹-۳۱.

ت. هنگامی که ما انضباط روح‌القدس را تجربه می‌کنیم دگرگونی در ما اجرا می‌شود - رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ عبرانیان ۱۲: ۵-۱۴:

۱. کار آن روح در درون ما این است که وجودی نوین از ما بسازد، ولی کار روح از بیرون این است که هر جنبه از وجود طبیعی ما را از طریق محیط اطرافمان فروریزد - م. ش. ارمیا ۴۸: ۱۱.

۲. ما باید با آن روح عمل-کننده در درونمان همکاری کرده و محیطی که خدا برای ما ترتیب داده است را بپذیریم - فیلیپیان ۴: ۱۲؛ افسسیان ۳: ۱؛ ۴: ۱؛ ۶: ۲۰؛ اول قرن‌تین ۷: ۲۴.

۳. خدمتگزاری نتیجه مکاشفه علاوه بر رنج بردن است - آنچه می‌بینیم از طریق رنج بردن در ما بکار برده می‌شود؛ پس ما آنچه هستیم را [به دیگران] خدمتگزاری می‌کنیم:

آ. گرچه خدمتگزاران بسیارند، ولی آنها تنها یک خدمتگزاری دارند - همان خدمتگزاری عهد جدید برای به انجام رساندن اقتصاد عهد جدید خدا؛ کار ما به همراه مسیح این است که این خدمتگزاری منحصر به فرد، یعنی خدمتگزاری مسیح به مردم برای بنا سازی بدن او، را اجرا کنیم - اعمال ۱: ۱۷؛ افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۲؛ دوم قرن‌تین ۴: ۱؛ ۶: ۱ آ.

ب. در کل، بدن [مسیح] تنها یک خدمتگزاری منحصر به فرد جمعی دارد، ولی چون این خدمتگزاری همان خدمت بدن مسیح بوده و اعضای بسیار دارد، همه اعضا دارای خدمتگزاری خود برای اجرای آن یگانه خدمتگزاری هستند - اعمال ۲۰: ۲۴؛ ۲۱: ۱۹؛ دوم تیموتائوس ۴: ۵؛ کولسیان ۴: ۱۷.

پ. آن خدمتگزاری برای بخش کردن مسیح است که تجربه کرده‌ایم، با او ساخته شده‌ایم، و در ما شکل گرفته است، همان تجارب غنای مسیح که از طریق رنجها، فشارها، و کشته شدن توسط صلیب، کسب می‌شود - اعمال ۹: ۱۵-۱۶؛ کولسیان ۱: ۲۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ اول تیموتائوس ۴: ۶؛ دوم قرن‌تین ۱: ۴-۶، ۸-۹ ف ۱۲؛ ۳: ۳، ۶:

۱. خدمتگزاری روح برای این است که ما توسط مسیح را به عنوان روح حیات-بخش به دیگران خدمتگزاری کردن، به اوج مکاشفه الهی برسیم - آ. ۸-۹، ۶، ۳؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷ آ.

۲. خدمتگزاری عدالت [صداقت] برای این است که ما توسط بخش کردن [خدمتگزاری] مسیح، نه تنها به عنوان عدالت بیرونی بلکه به عنوان عدالت درونی و زیست-شده ما، برای ابراز واقعی مسیح، یک زندگی خدا-انسان گونه داشته باشیم - رومیان ۵: ۱۷؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ مکاشفه ۱۹: ۸.

۳. خدمتگزاری مصالحه برای این است که ما توسط بخش کردنِ مسیح به عنوان کلام مصالحه آمیز، مردم را بر طبق خدا (در یگانگی با مسیح در شبانی او که در خدمتگزاری آسمانی اش است) شبانی کنیم تا بتوانیم مردم خدا را به روحشان که قدس الاقداس است آوریم تا آنها اشخاصی در روح باشند - دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۸-۲۰؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ اول پطرس ۵: ۲-۴؛ ۲: ۲۵؛ مکاشفه ۱: ۱۲-۱۳؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹، ۲۲؛ اول قرن‌تیاں ۲: ۱۵.

۴. وقتی ما کاملاً به یک چنین خدمتگزاریِ شگرف که سه جنبه دارد وارد می‌شویم، خداوند راهی خواهد داشت که کلیساها را به احیایی تازه درآورد.

ت. سختی، ملاقاتِ شیرین و تجسمِ فیض با کل غنای مسیح است؛ فیض اکثراً به شکل سختی با ما ملاقات می‌کند - دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۷-۱۰.

۱. از طریق سختی‌ها، تأثیر کشته شدن با صلیبِ مسیح بر وجود طبیعی ما، توسط روح‌القدس بکار می‌رود، بدین گونه راه برای خدای رستاخیز باز می‌شود تا خود را به درون ما بیفزاید - ۱: ۸-۹؛ ۴: ۱۶-۱۸.

۲. سختی‌ها بردباری به بار می‌آورد، که باعث نوعی تأیید می‌شود - یک کیفیت یا صفتِ تأیید- شده که از بردباری و تجربهٔ سختی و آزمایش حاصل می‌شود - رومیان ۵: ۳-۴.

ث. محبت خدا توسط روح‌القدس که به ما بخشیده شد، در دل‌های ما ریخته شده است، به عنوان همان قدرت انگیزش در ما، تا ما در تمام سختی‌ها بیش از پیروز باشیم؛ بنابراین، وقتی که متحمل هر نوع سختی می‌شویم، سرافکننده نخواهیم شد بلکه مسیح را زیست کرده، جلال می‌دهیم - آ. ۵: ۸-۳۱-۳۹؛ دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۴-۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱.آ.